

## ضمیمه: نظریه کارشناس ارشد حقوقی

### اتحادیه اروپا

امیرفیض- حقوقدان

در بحث اظهار نظر حقوقی نسبت به نظریه آقای بلالی کارشناس ارشد حقوقی اتحادیه اروپا، توضیح بیشتری در مورد تصویب موافقتنامه از سوی مجلس ایران لازم است که اکنون تکمیل میگردد.

قرائن و اسناد و اظهارات مقامات ایرانی نشان میدهد که یک توافق محرمانه نسبت به موافقتنامه مبنی بر اینکه جریان آن منتظر و وابسته به نظر مجلس ایران نباشد در میان بوده است.

زیرا می بینیم که موافقتنامه بدون اینکه به مجلس احاله شود شروع به اجرا گردیده است و این کار نمیتواند امری ساده تلقی گردد.

درست است که اصل ۱۲۵ و ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی (متاسفانه در تحریر تجزیه تحلیل حقوقی موافقتنامه اصل ۱۲۵ اشتباهها ۱۵۲ نوشته شده) <sup>۱</sup> تعیین مدت برای ارجاع موافقت نامه به مجلس نکرده ولی سکوت قانون از باب زمان، مجوز اجرای موافقتنامه نیست کما اینکه در همان اصل ۱۲۵ آمده است که امضای موافقت نامه پس از تصویب مجلس با رئیس جمهور است و این تصریح بدان معناست که اجرای موافقت نامه قبل از تصویب مجلس و امضای رئیس جمهور قابل اجراییست.

از طرفی چون ۱+۵ میداند که موافقتنامه نمیتواند بدون اجازه و تصویب مجلس ایران به جریان بیفتد و تصمیمات اجرائی نسبت به موافقتنامه قبل از تصویب مجلس بی اعتبار خواهد بود بطور حتم ۱+۵ با مذاکرات و توافق محرمانه راه حلی برای رفع این مشکل ایجاد کرده است.

در این مورد میتوان به فصل (لغو محدود، موقت و بازگشت تحریم ها) استناد کرد که میگوید:

<اگر ایران به تعهداتش که تحت سیستم های سیاسی شان امکان پذیر باشد عمل کند.....>

سیستم های سیاسی جمهوری اسلامی یعنی استفاده از روشهایی مانند مصلحت که نیازی به ارائه موافقتنامه و تصویب مجلس نباشد و یاروشی که در قرارداد الجزایر با جمهوری اسلامی برای آزادی گروگان ها گرفته شد.

همانطور که در تحریرات سابقه در رابطه با موافقتنامه ذکر شد جمهوری اسلامی که از تبعات موافقتنامه خاصه تحمیلات یک طرفه آن آگاه است چندان متمایل به طی تشریفات قانونی و ارائه آن به مجلس نیست.

و لذا این تصور میتواند قابل قبول قرار گیرد، که جمهوری اسلامی است که موجبات عدم نیاز تصویب مجلس را فراهم، ساخته است، این امر بیسابقه نیست. در گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا که منجر به

مذاکرات و قرارداد الجزایر شد، جمهوری اسلامی عنوان بیانیه الجزایر را به آن قرارداد داد و با چنین عنوانی، ارجاع به مجلس لازم دانسته نشد و به کنگره آمریکا هم نرفت.

گرچه از نظر حقوقی همانطور که پرفسور رسو در کتابش آورده و تفسیر حقوقی دادگاه لاهه نشان میدهد عناوین مختلفی که بر قراردادها نهاده میشود در ماهیت تغییری در موضع قرارداد و تعهد نمیدهد ولی چون قانون اساسی جمهوری اسلامی، بیانیه و یا تفاهم نامه و امثال آنها را مقید به تصویب مجلس نساخته، راه فرجی برای جمهوری اسلامی در فرار از تکلیف ارجاع به مجلس ایجاد میگردد تلاش آقای ظریف به اینکه موافقتنامه تفاهم نامه موقت است یکی از شواهد موضوع است.

### شرکت داوطلبانه جمهوری اسلامی در موافقتنامه

برخی با استدلال اینکه ایران و ۱+۵ داوطلبانه در مذاکرات شرکت و توافقنامه را امضا کرده اند، آنرا دلیل بر غیرحقوقی و الزامی نبودن موافقتنامه میدانند و در نهایت این نتیجه را ارائه میدهند که جمهوری اسلامی هروقت که مایل باشد میتواند از داوطلب بودن عدول کند و این حق برای طرف ۱+۵ هم جاری است.

برداشت آنان بکلی باطل است؛ داوطلبانه بودن، در فرهنگ حقوقی، به معنای انجام مذاکرات و امضای موافقت نامه با قصد و اراده آزاد و فقدان کره و اجبار در معامله است نه اینکه هر زمان طرف تعهد خواست به اعتبار اینکه داوطلبانه و با رضایت موافقتنامه را امضا کرده میتواند از آن عدول کند.

در موافقت نامه ۱+۵ در ۲ جابه وجود حسن نیت در تنظیم موافقتنامه اشاره شده است. معنای حسن نیت همان آزادی اراده و نداشتن سوء نیت و فراغت از کره و تقلب و امثال آنهاست و در واقع همان معنای داوطلب بودن را دارد.

هر کس داوطلبانه در یک نظم سازمانی و یا حقوقی قرار گرفت تابع آن نظم حقوقی است و نمیتواند خودسرانه به اعتبار اینکه خودش داوطلب خدمت شده هروقت که مایل است رفع مسئولیت و تعهد از خود بنماید.

مگر کسانی که داوطلب خدمت سربازی میشوند و یا داوطلب خدمت در دولت میشوند فارغ از تعهد و مسئولیت خواهند بود؟ البته که خیر.

### نگاهی فشرده به موقعیت ایران در توافقنامه ژنو

همانطور که در تحریر تجزیه تحلیل حقوقی موافقتنامه تشریح شد؛<sup>۲</sup> البته که موافقتنامه از نظر شرائط یک عقد صحیح حقوقی ناقص است ولی بهیچوجه خود بخود مسقط تعهدات طرفین نیست هر ادعایی از قبیل وجود کره و اجبار، عدم تعادل در حد غبن فاحش، عدم صلاحیت نمایندگان طرف و هر نوع عوارضی که از ناحیه موافقت نامه باشد نیازی به اثبات و تصمیم دادگاه را دارد که آن دادگاه هم دادگاه لاهه است، و باز بطوریکه عرض شد دادگاه مزبور وقتی وارد رسیدگی میشود که طرفین دعوای برای دادگاه لاهه اعلام صلاحیت کنند یعنی با مخالفت ۱+۵ دست جمهوری اسلامی از استفاده این حق بسته است.

## راه های منحصر قانونی

البته که جمهوری اسلامی میتواند به تعهدات موافقتنامه تن ندهد؛ ولی نمیتواند از عوارض خودداری از انجام تعهد مصون باشد.

راهای قانونی که پیش پای هرمتعهدی برای رفع تعهد وجود دارد ۲ راه است؛ یکی فسخ و دیگری استنکاف.

فسخ درمورد موافقتنامه، حضورحقوقی ندارد زیرا درموافقتنامه پیش بینی نشده.

دیگری استنکاف است که میتواند شامل موارد زیرشناخته شود:

- اظهار افلاس و اعسار از انجام تعهد، که این فصل در دعاوی بین کشورها از جمله موافقتنامه ژنو بی سابقه است.
- اظهار کره و اجبار و تدلیس و غبن فاحش، این راه هم بملاحظه عدم استفاده بموقع و نیز تائید موافقتنامه از سوی جمهوری اسلامی >نوشدارو پس از مرگ سهراب< است.
- استنکاف و خودداری از اجرای موافقت نامه بهر دلیل از جمله مصالح ملی و یا رد توافقنامه بوسیله مجلس.

## حاصل استنکاف

حاصل استنکاف، برگشت معامله، بحالت قبل از معامله است که این حالت در رابطه با استنکاف جمهوری اسلامی از موافقتنامه عبارت خواهد بود، به همان حفظ تحریم های سابق، شدت دادن به آن و همچنین وضع تحریم های جدید که ۱+۵ و اسرائیل خواهان آن و جمهوری اسلامی سخت فعال در توقف آن است و فعالیت های دیگر علیه جمهوری اسلامی.

فراموش نکنیم که در مسیر مزبور آن چیزی که ظهوری غیر قابل انتظار داشته مشروعیتی است که جمهوری اسلامی قبل از توافقنامه برای تحریم های خودسرانه آمریکا و کنگره و اتحادیه اروپا قائل شده است و مشروعیت آنها حتی به اجرای موافقتنامه هم مشروط نشده است و این بزرگترین باختی است که جمهوری اسلامی به استقبال آن رفته است.